

The Necessity of Transformation in the Educational System for the Application of Ijtihādī Methods in the Humanities: A Case Model in Family Psychology*

 **Masoud Nooralizadeh Mianji**  / Assistant Professor, Department of Psychology, Shahed University
mnour@shahed.ac.ir

Abdollah Rahimi / MA in Islamic Psychology, Institute of Ethics and Training h.r.6246@gmail.com

Fereshteh Zarei / PhD Candidate in Psychology, Research Institute of Hawzah and University

Received: 2026/01/22 - Accepted: 2026/07/14

fzareei@rihu.ac.ir

Abstract

This study was conducted with a qualitative approach using Design-Based Research (DBR), aiming to present a systematic transformational model for teaching and applying ijtihādī methods in the humanities, with a case study of family psychology. The main framework was based on the ijtihādī method in Islamic sciences, with its step-by-step updating and adaptation to the humanities and psychological sciences. Its practical goal was to empower researchers to understand, extract, and psychologically analyze Quranic and hadith texts based on methodological evidence. The research findings were obtained in three axes: 1. Formulation of a "comprehensive educational blueprint" in the form of a six-step hierarchical model that begins with textual-linguistic literacy (Arabic literature, Quran, and hadith) and, after ijtihādī literacy (principles of jurisprudence and inference) and specialized-psychological analytical literacy of Islamic texts, culminates in evidence-based applied analytical literacy (para-jurisprudential and jurisprudential analysis of texts) to provide the groundwork for scientific explanation and theorization; 2. Formulation of "ijtihādī analytical course plans for Islamic texts," including para-jurisprudential analysis and jurisprudential analysis of family texts with a psychological approach, emphasizing practical training in the application of literary, semantic, exegetical, hadith-jurisprudential (fiqh al-ḥadīth), and inferential principles; 3. "Implementation of the model" on the case sample of the family, which demonstrated the feasibility of objectively extracting psychological patterns and its effectiveness in creating a learning ecosystem. This model provides a transformational framework for method-oriented education that, by integrating multi-layered literacies, offers a systematic path for the application of ijtihādī methods in psychology and other humanities, and for redesigning targeted curricula.

Keywords: Ijtihādī Method, Educational Transformation, Family Psychology, Analysis of Islamic Texts, Jurisprudential Analysis, Para-Jurisprudential Analysis.

* This paper was presented at the international conference "Islamic Humanities: In Commemoration of Allamah Mohammad Taqi Mesbah Yazdi."

ضرورت تحول در نظام آموزشی به منظور کاربردی سازی روش های اجتهادی در علوم انسانی: الگوی موردی در روان شناسی خانواده *

mnour@shahed.ac.ir

h.r.6246@gmail.com

fzareei@rihu.ac.ir

مسعود نورعلیزاده میانجی  / استادیار گروه روان شناسی دانشگاه شاهد

عبدالله رحیمی / کارشناسی ارشد روان شناسی اسلامی مؤسسه اخلاق و تربیت

فرشته زارعی / دانشجوی دکتری روان شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

دریافت: ۱۴۰۴/۱۱/۰۲ - پذیرش: ۱۴۰۵/۰۴/۲۳

چکیده

این پژوهش با رویکرد کیفی و با روش مبتنی بر طراحی (DBR)، با هدف ارائه یک الگوی تحولی نظام مند برای آموزش و کاربردی سازی روش های اجتهادی در علوم انسانی، با مطالعه موردی روان شناسی خانواده انجام شد. چارچوب اصلی مبتنی بر روش اجتهادی در علوم اسلامی، روزآمدسازی و متناسب سازی گام به گام آن در علوم انسانی و روان شناختی بود. هدف کاربردی آن، توانمندسازی دانش پژوهان برای فهم، استخراج و تحلیل روان شناختی از متون قرآنی و حدیثی مبتنی بر شواهد روش شناختی بود. یافته های پژوهش در سه محور حاصل شد: ۱. تدوین «نقشه جامع آموزشی» در قالب مدلی شش گامی و سلسله مراتبی که از سواد متنی - زبان شناختی (ادبیات عرب، قرآن و حدیث) آغاز شده و پس از سواد اجتهادی (اصول فقه و استنباط) و سواد تحلیل تخصصی - روان شناختی متون اسلامی، به سواد تحلیل کاربردی شواهد محور (تحلیل پیرافقاهتی و فقهی متون) منتهی می شود تا بستر تبیین و نظریه پردازی علمی را فراهم کند؛ ۲. تدوین «طرح های درسی تحلیل اجتهادی متون اسلامی» شامل تحلیل پیرافقاهتی و تحلیل فقهی متون خانواده با رویکرد روان شناختی، با تأکید بر آموزش عملی شیوه های به کارگیری قواعد ادبی، معناشناختی، تفسیری، فقه الحدیثی و اصول استنباط؛ ۳. «پیاده سازی الگو» روی نمونه موردی خانواده که امکان پذیری استخراج عینی الگوهای روان شناختی و کارایی آن در ایجاد یک اکوسیستم یادگیری را نشان داد. این الگو چارچوبی تحولی برای آموزش روش محور است که با یکپارچه سازی سواد های چند لایه، مسیری نظام مند برای کاربردی سازی روش های اجتهادی در روان شناسی و دیگر علوم انسانی و بازطراحی برنامه های درسی هدفمند را فراهم می کند.

کلیدواژه ها: روش اجتهادی، تحول آموزشی، روان شناسی خانواده، تحلیل متون اسلامی، تحلیل فقهی، تحلیل پیرافقاهتی.

مقدمه

کارآمدسازی علوم و کاربردی سازی آموخته ها، یکی از ضروریات نظام آموزشی است. اسلامی سازی علوم انسانی در عالی ترین سطح خود نیازمند توانایی استخراج آن از متون دینی است (Iqbal & Skinner, 2021؛ شریفی، ۱۳۹۳). این مهم نیز در گرو متناسب سازی و روزآمدسازی روش های اجتهادی برای علوم انسانی و آموزش صحیح آن به دانش پژوهان است (اعرافی، ۱۳۸۵؛ علیدوست، ۱۳۹۲). اساساً اسلامی کردن علوم در درجه اول یک مسئله روش شناختی است (رجب، ۱۹۹۶، به نقل از: عانی، ۱۳۸۵)، و آن نیازمند روش معتبر و متناسب و روزآمد اجتهادی برای استخراج مفاهیم، اصول، قوانین و نظریه ها از منابع دینی و پیوند آن با واقعیت های انسانی و اجتماعی است (گرامی پور، ۱۴۰۴). نظام کنونی آموزشی علوم انسانی اسلامی با چالشی ساختاری و بنیادین مواجه است که در قالب یک دوگانگی اساسی خودنمایی می کند: از سویی با برنامه های درسی طولانی، با رویکرد هنجاری و تجویزی و غیرمنطبق و منفک از سطح معرفت شناختی تبیین علمی روبه رو هستیم؛ و از سوی دیگر، برنامه های آموزشی ناکامل و غیرتوانمندساز علوم اسلامی در مراکز آموزش عالی که هر دو ناکام کننده اند. این دوگانگی به شکل دو مشکل عینی و ملموس بروز یافته است: نخست آنکه دوره های آموزشی موجود، به ویژه در حیطه روش اجتهادی، اغلب دوره هایی طولانی، هنجاری و غیرمنطبق با دانش روان شناسی معاصر طراحی شده اند؛ و دوم آنکه مراکز آموزش عالی در ارائه دروس علوم انسانی، از جمله روان شناسی اسلامی، با کاستی های جدی در بازدهی و کارآمدی مواجه هستند. این شکاف ساختاری باعث بروز مشکل اساسی در توانمندسازی دانشجویان شده است؛ به طوری که آنان معمولاً فاقد قابلیت لازم برای انتقال مفاهیم و معارف دینی به دانش نظری و عملی روان شناختی هستند.

مشکل اصلی را می توان در وجود شکاف عمیق میان نظریه و عمل و همچنین ارائه آموزش های جزیره ای و غیریکپارچه دانست. در وضعیت کنونی مراکز آموزش عالی علوم انسانی با رویکرد اسلامی یا مراکز تخصصی حوزوی مرتبط با رشته های علوم انسانی، از جمله مشاوره و روان شناسی، مفاهیم و مباحث به صورت مجزا و بدون ایجاد ارتباط نظام مند ارائه می شوند، بین آموخته های دانش پژوهان پیوند عملیاتی و کاربردی برقرار نمی شود، و مطالب درسی فاقد «جایگذاری مناسب» در یک ساختار منسجم علمی - عملیاتی هستند. بررسی وضعیت موجود در مراکز آموزشی با رویکرد اسلامی، آشکار می سازد که این مراکز از فقدان متون و برنامه های آموزشی نظام مند و گام به گام رنج می برند که بتوانند فرایند استخراج داده ها و یافته های علمی روان شناختی از متون دینی را به صورت کاربردی و عملیاتی آموزش دهند. برای مثال، طبق سرفصل های ارائه شده در دفتر برنامه ریزی وزارت علوم، در سطح کارشناسی هیچ درس تخصصی با محوریت «روش فهم اجتهادی» و با رویکرد روان شناختی ارائه نمی شود. در سطح کارشناسی ارشد، برخی از مراکز مانند مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) یا

رشته‌های روان‌شناسی اسلامی در سایر دانشگاه‌ها، تنها برخی واحدهای محدود با عنوان «روش تخصصی» وجود دارد که به آشنایی اجمالی با قواعد تفسیر و روش فهم تخصصی روان‌شناختی از متون دینی می‌پردازد و معمولاً کاربردی‌سازی نظام‌مند، جایگذاری مناسب هر علم در کنار علم دیگر و رویکرد تحلیلی - فرایندی را به همراه ندارد. درعین‌حال، درس‌های موجود در حوزه علمی نیز، از رویکرد توصیفی - تبیینی مسائل انسانی و روان‌شناختی برخوردار نبوده و عمدتاً با رویکرد هنجاری و تجویزی فقهی ارائه می‌شوند. از این‌رو طلبه حوزه علمی نیز که وارد مراکز دانشگاهی برای تحصیل علوم انسانی می‌شود، نمی‌تواند به‌صورت نظام‌مند علوم اسلامی و روش‌های اجتهادی یادگرفته را با علوم انسانی مرتبط کند. این مشکل بیش از هر چیز به کاستی در نظام آموزشی موجود در این مراکز و توانمندسازی آنها در نحوه برقراری پیوند نظام‌مند میان آموخته‌های پیشین و اکنون و ایجاد انسجام معرفتی، روش‌شناختی و کاربرتی برمی‌گردد.

عصر کنونی، شاهد پیشرفت‌های خیره‌کننده در روش‌های تحقیق در سراسر حوزه‌های دانش است. اساساً دانش با استفاده از روش‌های کارآمد به ثمر می‌رسد و پیشرفت‌های کنونی در علوم، از جمله روان‌شناسی معاصر، مرهون این روش‌ها می‌باشد (ایمان، ۱۳۹۲؛ ساروخانی، ۱۳۹۳). در این میان، روش اجتهادی به‌عنوان روش ممتاز و بنیادین علوم اسلامی، از سرمایه‌های غنی و پویای تمدن اسلامی به‌شمار می‌آید. با این حال، این روش به‌رغم ظرفیت‌های بالای ذاتی، به‌طور مطلوب روزآمدسازی نشده است. از این‌رو در میان پژوهشگران، احساس نیاز فزاینده‌ای به نوین‌سازی روش اجتهاد، چه در حوزه فقه و استنباط احکام هنجاری شرعی و چه در شاخه‌های دیگر علوم مانند اخلاق و علوم انسانی شکل گرفته است (واسطی، ۱۴۰۳؛ علیدوست، ۱۴۰۳). این ضرورت، محققان را بر آن داشته تا اقدامات متنوعی را در این زمینه به انجام رسانند. این تلاش‌ها را می‌توان در سه محور اصلی دسته‌بندی نمود.

۱. روزآمدسازی کلان روش اجتهاد

برخی از این کوشش‌ها معطوف به بازسازی و نظام‌مندسازی کلیت روش اجتهاد است. یکی از نمونه‌های این رویکرد، کتاب *الگوریتم اجتهاد* (واسطی، ۱۴۰۳) است که می‌کوشد با ارائه الگویی ساختاریافته، گامی در جهت نوین‌سازی روش‌های اجتهاد در حوزه فقهات بردارد. تلاش نگارنده در این پژوهش، تبیین چگونگی فهم متن در نظر متخصصان و بیان قدم به قدم مراحل این فهم است، تا در نتیجه آن، علاوه بر تدقیق روش فهم متن و برطرف شدن انحراف و نقص‌های احتمالی و تسهیل آموزش و تمرین اجتهاد، نقطه کمبود اطلاعات در فقه اجتماعی و نظام‌سازی نیز به‌صورت دقیق تعیین شود. جلد دوم این کتاب که به‌طور خاص به مراحل «استظهار» می‌پردازد، می‌تواند به‌منظور استخراج علوم انسانی مبتنی بر متون دینی نیز راهگشا باشد. علی‌پور و حسنی (۱۳۹۴) در کتاب *پارادایم اجتهادی دانش دینی «پاد»*، در مقابل پارادایم‌های پوزیتیویستی، تفسیری و انتقادی، پارادایم

اجتهاد دینی را مطرح کرده و آن را قابل کاربرد برای تولید علوم انسانی اسلامی می‌دانند. از دیگر مطالعات انجام‌شده در روش اجتهادی در تولید علوم انسانی می‌توان به *درآمدی بر اجتهاد تمدن‌ساز* (اعراف و بخشی، ۱۳۹۵)، «روش اکتشاف نظریه از منابع و متون دینی» (شریفی، ۱۳۹۷)، «نقش اجتهاد در تدوین علوم انسانی اسلامی» (معلمی، ۱۳۸۹)، *استخراج، تحلیل و ارزیابی مدل‌های اجتهادی در روش‌شناسی تولید علوم انسانی اسلامی* (عبدلی مسینان، ۱۳۹۷) اشاره کرد.

۲. تک‌جزئی‌نگاری و کاربردی‌پذیری اجزای روش

دسته دیگری از پژوهش‌ها، نه به کلیت روش، بلکه به اجزای تشکیل‌دهنده آن پرداخته‌اند. این محققان با تمرکز بر بخش‌های خاصی از روش اجتهاد - مانند قواعد حدیثی، قواعد تفسیری، یا قواعد ادبی و رجالی - درصدد برآمده‌اند تا این مؤلفه‌ها را بازتعریف و کاربردی سازند. برای مثال، منابع فهم قرآن، مراحل مشخصی را برای مواجهه و درک صحیح آیات در پیش روی پژوهشگر ترسیم می‌کنند؛ مرحله‌ای چون قطعه‌بندی متن و تعیین معنای کانونی، قواعد تفسیری تبیین مفردات و ساختار ادبی آیات، شناخت کاربردها، اصطلاح‌ها و ساختار متن، توجه به قراین متصل مثل سیاق یا فضای نزول آیات و ویژگی‌های گوینده و مخاطب آیات، توجه به قراین منفصل مثل توجه به همه آیات مرتبط و روایات مرتبط و معلومات عقل نظری و دانش بشری و در نهایت سامان‌دهی یافته‌ها (بابایی، ۱۳۹۵؛ مسعودی، ۱۳۹۹). همچنین در زمینه فهم احادیث، گام‌هایی چون فهم مفردات و واژه‌شناسی، فهم ترکیبات، تشکیل خانواده احادیث، بهره‌گیری از قراین و اسباب ورود حدیث، ارزش‌گذاری متون، راهکارهای حل تعارض احادیث و معرفی موانع و آسیب‌شناسی فهم حدیث به‌عنوان مراحل درک بهتر روایات معرفی می‌شوند (مسعودی، ۱۳۸۴؛ طباطبایی، ۱۳۹۰).

۳. توسعه روش‌های اجتهادی به عرصه‌های علوم دیگر

محور سوم، معطوف به بسط و توسعه روش‌های اجتهادی به حوزه‌هایی فراتر از فقه است. در این راستا، پژوهشگران کوشیده‌اند تا این روش‌ها را در قلمرو علوم انسانی، پیاده‌سازی و عملیاتی کنند. از جمله این تلاش‌ها می‌توان به کتاب *نظریه‌سازی دینی در علوم اجتماعی با تطبیق بر جامعه‌شناسی خانواده* اشاره کرد. بستان (۱۳۹۲) در این کتاب، مدلی نظری در باب خانواده و با رویکرد جامعه‌شناختی ارائه کرده که بر پایه دو روش اجتهادی (استخراج مفاهیم و گزاره‌های نظری از متون دینی) و تجربی (استفاده از یافته‌های دیگر محققان علوم اجتماعی) بنا شده است. کتاب *درآمدی بر روش‌شناسی اجتهاد در علم اخلاق اسلامی* نوشته همدانی (۱۴۰۲)، تلاش دیگری در کاربردی‌سازی روش اجتهادی، این بار در علم اخلاق است. در این کتاب منابع روایی، مصادر رجالی، روش آمایش آیات قرآنی و روایات، تحلیل دلالت‌های عقلی و نقلی، روش‌های فقه‌الحدیث، روش‌های حل تعارض و در نهایت بحث تحلیل ادله عقلی

مطرح شده و به تفاوت‌های روش اجتهادی در فقه و اخلاق نیز پرداخته شده است. شفیعی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «امکان‌یابی کاربرست روش اجتهادی در علوم انسانی (مورد مطالعه: رهبری در مدیریت اسلامی)» با به‌کارگیری روش اجتهادی، کوشیده است «رهبری در مدیریت اسلامی» را از منابع دینی استخراج کند.

علاوه بر کاربرد عملیاتی روش اجتهادی در علوم مختلف، تمرکز برخی پژوهش‌ها معطوف به مباحث روشی در این زمینه بوده است، از جمله شجاعی (۱۳۹۹) در مقاله «روش تحلیل کیفی محتوای متون دینی: مبانی نظری و مراحل اجرا»، که تلاش کرده به توسعه روش فهم متون دینی، به‌ویژه در روان‌شناسی بپردازد. روش تحلیل کیفی متون دینی، مشتق شده از روش‌های ادبی، اصولی و تفسیری و بر پایه روش پردازش فعال متن بوده که در طی آن، پژوهشگر از تحلیل‌های عمومی به سمت تحلیل‌های عمیق‌تر و معنایی پیش می‌رود. پسندیده (۱۳۹۹) در کتاب روش فهم عمومی متون دینی، با توجه به رویکرد روان‌شناختی، علاوه بر روش‌های عمومی (مانند صحت استناد، صحت متن، قواعد فهم مقصود متکلم و تشکیل خانواده حدیث)، با تمایز دادن بین روش فهم متن، فهم موضوع و فهم مسئله به روش‌ها و مراحل این سه پرداخته است. پسندیده (۱۳۹۸) در کتاب روش فهم روان‌شناختی متون دینی، به روش و مراحل کشف ابعاد روان‌شناختی متن، بیان انواع متن و مراحل تبیین متن و در نهایت فهم تک موضوع پرداخته است. کتاب روش مدل‌یابی مفهومی از متون اسلامی (نورعلیزاده، ۱۴۰۲) تلاش دیگری برای استخراج و مدل‌یابی سازه‌های روان‌شناختی از متون اسلامی در عرصه پژوهش‌های پیشرفته مبتنی بر پارادایم اجتهادی است.

منابع گفته‌شده گرچه از مباحث نظری تا روش‌های عملیاتی برای استخراج مفاهیم را در نظر می‌گیرند، اما هنوز نیاز به حلقه واسطه‌ای میان آنها تا تربیت پژوهشگران علوم انسانی اسلامی احساس می‌شود؛ خلأی که درس‌نامه‌های آموزشی، برای جبران آن تلاش می‌کنند. در سال‌های اخیر، تلاش‌های بیشتری در زمینه تدوین این‌گونه درس‌نامه‌ها صورت گرفته است، از جمله آنها درس‌نامه فهم زبان قرآن مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران (۱۳۹۹) است که کاربرد تطبیقی قواعد علم صرف و نحو و فرآیند تفسیر روشمند و ترجمه قرآن را در مباحث سبک زندگی ارائه می‌کند؛ امری که موجب شده این درس‌نامه، مجموعه‌ای نه صرفاً نظری، بلکه تبدیل به کارگاهی عملی برای درونی کردن دانش تفسیر و مقدمات آن بشود. نمونه دیگر کتاب تحلیل ادبی نهج‌البلاغه و صحیفه سجاده (عشایری منفرد، ۱۳۹۲) است که ابعاد مختلف تحلیل ادبی احادیث، بحث قراین و برخی قواعد ادبی را به‌صورت تطبیقی و کارگاهی ارائه می‌کند. در کتاب فرآیند تفسیر موضوعی (کریمی، ۱۴۰۲) مراحل ده گانه استخراج یک دیدگاه قرآنی بیان شده است: انتخاب مسئله و عنوان‌سازی، مفهوم‌شناسی مسئله، تهیة ساختار، دستیابی به پیشینه تحقیق و دستاوردهای بشری در مسئله، مرحله استخراج آیات با مطالعه اکتشافی

قرآن و دسته‌بندی آنها، ارائه فرضیه، تفسیر آیات گردآوری‌شده در جایگاه خود، حدشناسی دلالت آیات و مرتب‌سازی آنها، استخراج دیدگاه قرآنی و ارزیابی این دیدگاه.

کارهای انجام شده، با سه مشکل اصلی و اساسی روبه‌رو هستند: اولاً برخی از این کتاب‌ها یا برای فهم روشمند متون اسلامی با کاربری علوم انسانی و تحلیل و تبیین علمی روان‌شناختی نگارش نیافته‌اند و یا آن دسته از کتاب‌ها (مانند روش فهم روان‌شناختی متون دینی) نیز که با هدف فهم تخصصی و روان‌شناختی از متون دینی نگارش یافته‌اند، از روش‌های متداول اجتهادی به‌صورت کامل بهره نبرده‌اند؛ ثانیاً این منابع مانند کتاب *الکوریتم/اجتهاد* آن قدر عام و مبسوط و نظریه‌محور هستند که استفاده کاربردی از آنها دشوار است، و یا برخی دیگر از کتاب‌ها (مانند روش فهم حدیث) ناظر به قواعد خاصی هستند؛ مثلاً قواعد حدیثی فقط، یا قواعد تفسیری فقط؛ ثالثاً آن جامعیت لازم (دارا بودن قواعد کامل اجتهاد از ادبیات تا فقه و اصول و حدیث و...)، تحلیل و تبیین متون اسلامی مبتنی بر شواهد روش‌شناختی و جاگذاری مناسب آنها در هر بخش و از همه مهم‌تر، کاربردی‌سازی و قابلیت اجرای آن برای سطوح عالی و به‌صورت آموزشی در آنها رعایت نشده است. کتاب روش فهم روان‌شناختی متون دینی که برای آموزش روش فهم تخصصی و روان‌شناختی متون دینی نگارش یافته است، بیشتر بر سطحی از معارف و به برخی از روش‌های موجود در گستره اجتهادی با رویکرد روان‌شناختی متمرکز بوده و از روش‌های پیرافقاهی و فقاهتی متناسب‌سازی‌شده با علوم انسانی، به‌صورت کامل و سیستماتیک و به شکل یک روش تحقیق نظام‌مند مبتنی بر فهم‌پژوهی اجتهادی متون اسلامی به هدف توصیف و تبیین کامل از مسائل انسانی و روان‌شناختی بهره نبرده است. روش‌های پیرافقاهی یا پیشافقاهی و به تعبیر علیدوست (۱۳۹۲: ۱۴۰۳) «پیرافقه» (Parafiqh) در مقابل «اصول فقه»، به مجموعه دانش‌ها و روش‌هایی مانند علوم حدیث، اشتقاق، ترکیب، درایه، تفسیر و معانی و بیان، و به‌عنوان ابزارهای کمکی در فهم و تفسیر عمیق‌تر اطلاق می‌شود که به تبیین و تحلیل مسائل دینی در حیطه‌های مختلف پرداخته و به بسط و توسعه فقه و اصول نیز کمک می‌کنند.

بنابراین ضروری است که نظام‌ها و متن‌های آموزشی طراحی شود که سه کارکرد اصلی را به‌صورت هم‌زمان محقق سازد: نخست آنکه جامع باشد و کلیه قواعد لازم در حوزه‌های ادبیات، فقه، اصول، حدیث و تفسیر را به‌صورت یکپارچه و کاربردی پوشش دهد؛ دوم آنکه آموزش محور و درس‌نامه‌ای باشد و سیر آموزش را به‌درستی و به‌صورت گام‌به‌گام نشان دهد؛ و سوم آنکه توانمندساز و مهارت‌آفرین باشد و به‌صورت کاربردی قابلیت فهم روشمند متون اسلامی برای استخراج و از آن مهم‌تر توانایی تحلیل و تبیین مسائل و مباحث علمی روان‌شناختی را به‌صورت مجتهدانه در فراگیران ایجاد کند؛ چراکه مجتهد تنها «شارح الفاظ» نیست، بلکه مفسر یک منظومه معنایی در بستر جامعه انسانی است (گرامی‌پور، ۱۴۰۴). به‌ویژه درس‌نامه‌های تألیف شود که طراحی آن به‌گونه‌ای

باشد که ضمن مباحث روزآمد مرتبط با رشته و مستخرج از متون اسلامی، فرایند تحلیل و چگونگی دستیابی به نتایج و قواعد تحلیل، استنباط و تبیین‌ها را به‌صورت عملیاتی، مشخص و مبتنی بر شواهد نشان دهد. این خلأ آموزشی مانع اصلی در تحقق هدف کارآمدسازی علوم انسانی اسلامی و کاربردی‌سازی آموخته‌ها شده و ضرورت پرداختن به این موضوع را بیش از پیش آشکار می‌سازد.

ازاین‌رو هدف از این پژوهش، بررسی و ارائه الگوی تحولی در کاربرپذیری و آموزش روش‌های اجتهادی برای علوم انسانی و روان‌شناختی است؛ ارائه یک نظام آموزشی شامل فرایندی از روش‌های کاربردی‌سازی شده اجتهادی در علوم انسانی جهت توانمندسازی دانش‌پژوهان و دانشجویان رشته‌های مرتبط از جمله روان‌شناسی خانواده برای فهم و تبیین روان‌شناختی متون قرآنی و حدیثی مبتنی بر شواهد روش‌شناختی.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع پژوهش در عمل و توسعه‌ای است، یک پژوهش نوآورانه با رویکرد کیفی که با روش تحقیق مبتنی بر طراحی (Design-Based Research) انجام شد. پژوهش مبتنی بر طراحی (DBR) نوعی روش تحقیق است که توسط محققان در علوم یادگیری که زیرمجموعه‌ای از آموزش است، استفاده می‌شود. فرآیند اساسی DBR شامل توسعه راه‌حل‌ها برای مشکلات و بهبود وضعیت موجود است. هدف از آن تولید نظریه‌ها و چارچوب‌های جدید برای مفهوم‌سازی یادگیری، آموزش، فرآیندهای طراحی و اصلاحات آموزشی است. این روش تحقیق با دربر گرفتن چرخه‌های تکرارشونده طراحی، بررسی، طراحی مجدد، در پنج مرحله توأمان بازگشتی شامل تحلیل نیازها و زمینه، طراحی مفهومی چارچوب، ساخت نمونه‌های آموزشی، و تحلیل و پالایش نهایی نظام آموزشی و چارچوب‌های درسی دنبال شد (Johnson & et al, 2017؛ Anderson & Shattuck, 2012).

یافته‌های پژوهش

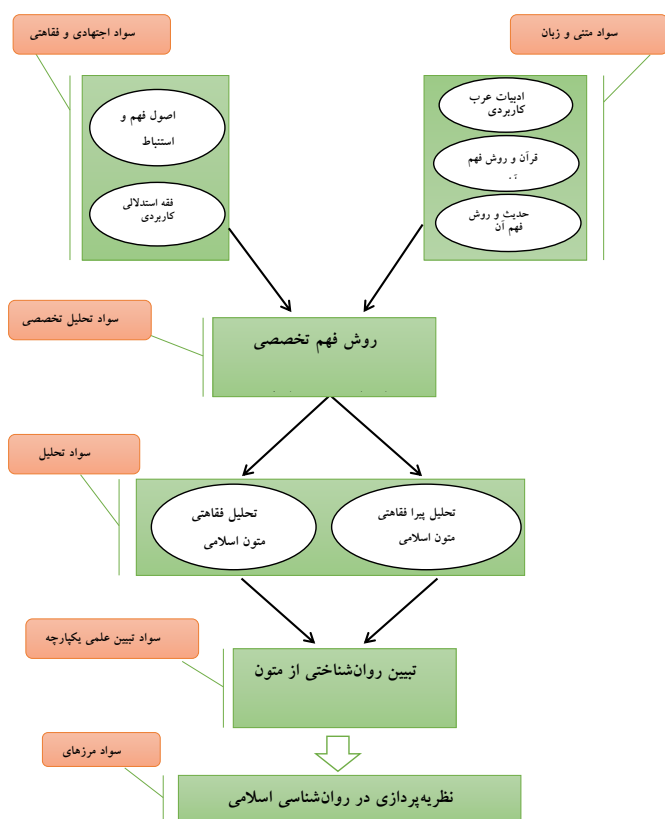
یافته‌های این پژوهش بر سه بخش متمرکز است: معرفی و ترسیم نقشه‌ای جامع، تحولی و نظام‌مند آموزش روش‌های اجتهادی در مسیر فهم و تحلیل روشمند متون اسلامی؛ ارائه دو طرح درسی متناسب با این نظام آموزشی؛ و ارائه یک نمونه مثال از متون اسلامی در حوزه روان‌شناسی خانواده، با تحلیل اجتهادی منطبق با الگوی آموزش روش‌شناختی این پژوهش.

۱. نظام تحولی آموزش یکپارچه روش‌های اجتهادی در مسیر فهم و تحلیل روشمند متون اسلامی

کارآمدسازی علوم و کاربردی‌سازی آموخته‌ها و تحول در نظام آموزشی، پاسخی است به یکی از اساسی‌ترین نیازهای عصر حاضر در عرصه علوم انسانی اسلامی؛ نیازی که در تقاطع «متون دینی»، «روش‌های اجتهادی» و «دانش روان‌شناختی» معنا می‌یابد. بهره‌مندی از متون دینی برای گشودن دانش‌های نوین روان‌شناختی

مستلزم برخورداری از «روش» و «ابزار»هایی است که بتواند فاصله میان نص کهن و مسئله نو را به پلی برای گفت و گو تبدیل کند.

رسیدن به یک نظام آموزشی مطلوب برای تربیت دانش پژوهانی با توانمندی کشف و تبیین مسائل روان شناختی به شیوه ای استنباطی از متون اسلامی، نیازمند پیمودن مسیری مرحله ای و اصولی است. این نظام آموزشی بر اساس یک طراحی ساختاریافته و سلسله مراتبی سامان یافته است. منطق حاکم بر این طراحی، حرکت مرحله به مرحله از کسب مهارت های پایه ای فهم متن به سوی تحلیل تخصصی و استنباط و تبیین روشمند است.

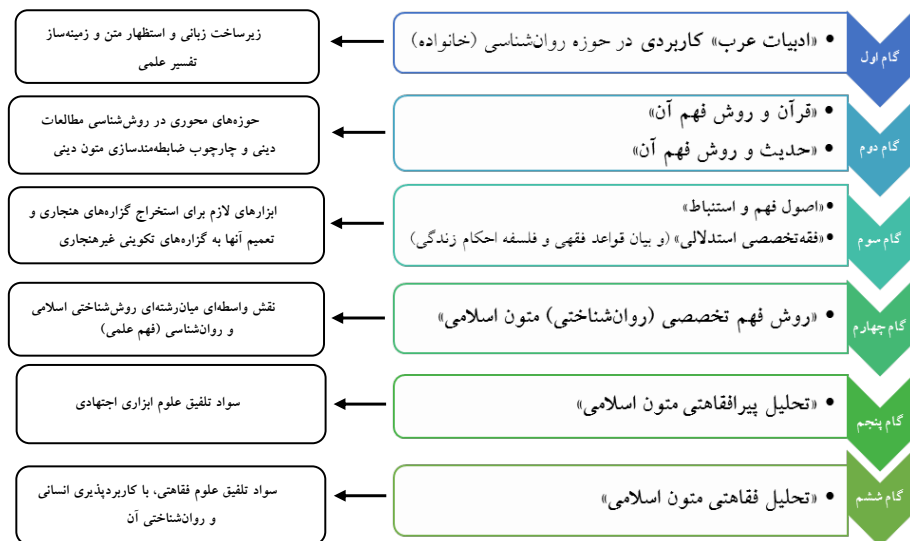


شکل ۱: نظام تحولی آموزش یکپارچه روش های اجتهادی در مسیر فهم و تحلیل روشمند متون اسلامی

یکی از وجوه متمیزه این نظام آموزشی، تأکید جدی بر «سلسله‌مراتب هدفمند آموزشی» است. در ابتدا روندی آموزشی برای آماده‌سازی دانش‌پژوهان مقطع کارشناسی ارشد برای ورود به درس‌های اصلی طراحی شده است. در این وهله، علوم پیش‌نیاز به دانشجویان ارائه می‌شود. در مرحله نخست، آنان با مهارت‌های بنیادی مواجهه علمی با متون اسلامی آشنا می‌شوند. این مهارت‌ها شالوده لازم برای هرگونه تحلیل روشمند و معتبر در سطوح بعدی را فراهم می‌آورند. ابتدا «ادبیات عرب» با شیوه کاربردی در رشته‌های مرتبط ارائه می‌شود. این درس به‌منزله زیرساخت زبانی برنامه آموزشی، توانایی فهم دقیق ساختارهای صرفی، نحوی و بلاغی متن عربی را فراهم کرده و زمینه تفسیر علمی متون را ایجاد می‌کند. قالب‌های درسی، کیفیت و میزان واحدهای آن در جدول‌های (۲ و ۳) خواهد آمد؛ در گام بعدی، «قرآن و روش فهم آن» و «حدیث و روش فهم آن» متمرکز بر نمونه مثال‌های کاربردی در رشته، به‌عنوان دو حوزه محوری در روش‌شناسی مطالعات دینی آموزش داده می‌شوند. این درس‌ها، با ارائه ظرفیت‌های علمی و کیفیت زبان قرآن و حدیث، چارچوب‌های معتبر برای فهم پایه‌ای متون وحیانی و روایی را در اختیار دانش‌پژوه قرار می‌دهند و از قرائت‌های ذوقی، تقلیل‌گرایانه یا غیرروشمند پیشگیری می‌کنند؛ در مرحله بعد، نوبت به مباحث کاربردی «اصول فهم و استنباط» به همراه مباحث کاربردی «فقه استدلالی» مرتبط با حوزه روان‌شناسی و خانواده و نیز قواعد فقهی منتخب می‌رسد. این مجموعه، دانش‌پژوه را با منطق استنباط هنجاری از متون دینی خانواده آشنا کرده و قابلیت‌های آنها برای اجتهاد روان‌شناختی از متون اسلامی را ارائه می‌دهد؛ سپس «روش فهم تخصصی (روان‌شناختی) متون اسلامی» به‌عنوان یک حوزه میان‌رشته‌ای، امکان تحلیل تخصصی متون دینی را فراهم می‌سازد. به‌منظور توانمندسازی دانش‌پژوهان در کاربست یکپارچه‌نگر روش‌های اجتهادی فراگرفته و افزایش سواد تبیین علمی و زمینه‌سازی برای حرکت در مرزهای دانش علوم انسانی اسلامی، در این پژوهش، دو طرح درس پیشنهاد گردید: یک درس به تحلیل متون با تمرکز بر آموزش عملی چگونگی استفاده از اصول واژه‌شناسی و قواعد ادبی (صرف، نحو و بلاغت)، علوم قرآن و تفسیر، و علوم حدیث، یعنی گام‌های اول و دوم (جدول ۱) می‌پردازد. از این درس به «تحلیل پیرافقاهتی متون اسلامی خانواده با رویکرد روان‌شناختی» تعبیر می‌کنیم؛ درس دیگر به تحلیل روان‌شناختی متون با تمرکز بر آموزش عملی چگونگی استفاده قواعد اصولی و فقهی، به‌اضافه مباحث اعتبارشناختی سند (رجال و درایه) اختصاص دارد. در این درس، آموزه‌های استخراج‌شده از متون دینی، به‌صورت نظام‌مند طبقه‌بندی شده و با رویکرد روان‌شناختی مورد توصیف و تبیین قرار می‌گیرند. از این درس به «تحلیل فقاهتی متون اسلامی خانواده با رویکرد روان‌شناختی» تعبیر می‌کنیم. البته در صورت نیاز و محدودیت واحدهای درسی، این دو درس قابل تلفیق در یک سرفصل و درس‌نامه هستند که در این صورت از آن به «تحلیل اجتهادی متون اسلامی خانواده

با رویکرد روان‌شناختی» تعبیر می‌آوریم. یادآوری می‌شود که عبارت «خانواده» در عنوان این درس‌ها می‌تواند در رشته‌ها و گرایش‌های دیگر متمایز باشد.

جدول ۱: الگوریتم نظام تحولی آموزش یکپارچه روش‌های اجتهادی در مسیر فهم و تحلیل روشمند متون اسلامی



ویژگی ممتاز این نظام آموزشی، «توانمندسازی یکپارچه نظامند» که پژوهشگر را به‌صورت تدریجی از فهم زبان و متن، به تحلیل مفهومی، استنباط علمی و کاربردهای روان‌شناختی متون اسلامی هدایت می‌کند. ویژگی دیگر «تلفیق محتوا و روش» است. دستیابی به مهارت تحلیل تلفیقی، مستلزم تسلط بر حوزه‌های پیش‌نیاز است که یا باید پیش از ورود به دوره اصلی گذرانده شده باشد، یا به‌عنوان دروس جبرانی در خود دوره ارائه گردد. در ادامه الگوریتم کاملی (جدول ۲) برای این نظام آموزشی ارائه می‌شود که هم گام به‌گام موارد را در نمونه مثال روان‌شناسی خانواده توضیح می‌دهد و هم تمایز واضح بین دو تحلیل فقاهتی و پیرافقاهتی را نشان می‌دهد.

جدول ۲: الگوریتم تفصیلی نظام تحولی آموزش یکپارچه روش‌های اجتهای در مسیر فهم و تحلیل روشمند متون اسلامی

گام اول: ادبیات عرب کاربردی

هدف کلی:

کسب توانایی خوانش، درک و تجزیه و ترکیب اولیه متون عربی به عنوان پیش‌نیاز اساسی

اقدامات لازم و محتوای آموزشی:

آموزش صرف (ساختار کلمه)؛
آموزش نحو (نقش کلمات در جمله)
آموزش بلاغت (درک مقصود متکلم)
آموزش لغت (شناسایی واژگان و معناشناسی)
آموزش شیوه تجزیه و ترکیب کاربردی

ملاحظات اجرایی:

- تأکید بر جنبه کاربردی به جای قواعد نظری محض
- استفاده انبوه از مثال‌های عینی در گزاره‌های اسلامی خانواده

گام دوم: بخش اول: قرآن و روش فهم

هدف کلی:

شناخت زبان قرآن و توانایی تدبر و فهم ظاهر و مقصود قرآن به صورت نظام‌مند و موضوع‌محور و کشف منظومه‌های معنایی آن

اقدامات لازم و محتوای آموزشی:

آموزش قواعد علوم قرآن و تفسیر
آموزش روش تدبر و فهم قرآن کاربردی
آموزش تطبیق این قواعد بر متون تخصصی خانواده

ملاحظات اجرایی:

- تأکید بر قواعد کاربردی که بیشترین استفاده را دارند
- تسلط استاد بر قواعد تفسیر و علوم روان‌شناختی برای قدرت بر تطبیق

گام دوم: بخش دوم: حدیث و روش فهم

هدف کلی:

کسب مهارت در نقد سندی و متنی احادیث.
توانای فهم ظاهر و مقصود حدیث (کشف معانی و مراد استعمالی و جدی)؛ و کشف منظومه‌های معنایی خانواده حدیثی

اقدامات لازم و محتوای آموزشی:

- آشنایی با علوم حدیث و درایه
- آموزش مقدمات نقد سند و نقد متن
- قواعد فهم مقصود متکلم و تشکیل خانواده حدیث
- آموزش تطبیق این قواعد بر متون تخصصی خانه‌اده

ملاحظات اجرایی:

- عدم ورود به جزئیات پیچیده رجالی
- تأکید بر قواعد کاربردی که بیشترین استفاده را دارند

گام سوم: بخش اول: اصول فهم و استنباط

هدف کلی:

یادگیری قواعد (نرم‌افزار استدلال) که مجتهد برای استنباط از متن استفاده می‌کند.

اقدامات لازم و محتوای آموزشی:

بازآموزی کاربردی قواعد اصولی کلیدی از جمله: مباحث الفاظ، مفاهیم، عام و خاص، مطلق و مقید

ملاحظات اجرایی:

- تبدیل اصول فقه از یک دانش تئوری به یک «ابزار قدرتمند فهم»
- ارائه مثال‌های متنوع و چالشی

گام سوم: بخش دوم: فقه استدلالی

هدف کلی:

آشنایی با استدلال های فقهی و درک منطق پشت احکام (هنجارهای عملی)

اقدامات لازم و محتوای آموزشی:

- بررسی استدلال های فقها در مسائل خانواده
- آموزش قواعد فقهیه مؤثر
- آشنایی با فلسفه احکام

ملاحظات اجرایی:

- تأکید بر «چرایی» احکام به جای «چه» احکام
- مرتبط ساختن مباحث فقهی با دغدغه های روان شناختی

گام چهارم: روش فهم تخصصی متون اسلامی

هدف کلی:

توانایی شناسایی، استخراج مفاهیم و سازه های روان شناختی از دل متون به صورت سیستمی و مسئله محور؛ توانایی فهم عمیق متون اسلامی و کشف تخصصی لایه های زیرین آنها و تبیین های روزآمد و تخصصی

اقدامات لازم و محتوای آموزشی:

- آموزش تکنیک های فهم تخصصی از جمله مهندسی معکوس متن
- صورت بندی علمی یافته ها
- تبیین های روان شناختی از متون اسلامی

ملاحظات اجرایی:

این مرحله پل ارتباطی بین دین و روان شناسی است و نیاز به مدرسی مسلط بر هر دو حوزه دارد

گام پنجم: تحلیل پیرافقاهتی متون

هدف کلی:

توانایی کشف لایه های پنهان، و توصیف و تبیین علمی آنها با ذکر شواهد دلالی و مناسباتی آن

اقدامات لازم و محتوای آموزشی:

فهم پژوهی تفسیری؛ فقه الحدیثی؛ تجزیه و تحلیل ساختاری و ادبی مفردات و تراکیب برداشت های علمی با ذکر شواهد دلالی و مناسباتی

ملاحظات اجرایی:

تلفیق کاربستی علوم انزاری مختلف، نیازمند مدرسی مسلط به این دروس دارد.

گام ششم: تحلیل فقهاتی متون

هدف کلی:

طبقه بندی نظام مند و تبیین و توصیف روان شناختی آموزه های استخراج شده از متون دینی

اقدامات لازم و محتوای آموزشی:

- سند پژوهی و اعتبار سنجی متون اسلامی
- متن پژوهی متمرکز بر با قواعد اصولی و فقه روان شناختی آیات و احادیث خانواده
- طبقه بندی داده ها
- توصیف و تبیین روان شناختی

ملاحظات اجرایی:

تلفیق کاربستی علوم فقهاتی نیازمند مدرسی مسلط به این دروس دارد.

جدول ۳: عنوان و مشخصات کلی درس‌های پیش‌نیاز و اصلی کاربرپذیری روش‌های اجتهادی برای علوم انسانی

عنوان درس	پیش‌نیاز اصلی	تعداد واحد	نوع واحد نظری - عملی	تعداد ساعات	توضیح
۱	ادبیات عرب کاربردی ۱ پیش‌نیاز ادبیات عرب کاربردی ۲ (تجزیه و ترکیب)	۲	*	۳۲	تحلیل ادبی متون قرآنی و حدیثی روان‌شناختی (خانواده) با بازآموزی مباحث مهم علم اشتقاق و لغت‌شناسی، صرف و نحو بسته به شرایط این دو درس می‌تواند در ۲ واحد ارائه شود.
۳	۱. قرآن و روش فهم قرآن پیش‌نیاز ۲. حدیث و روش فهم آن	۲	*	۳۲	بسته به شرایط این دو درس می‌تواند در ۲ واحد، به صورت تلفیقی تحت عنوان «روش فهم عمومی قرآن و حدیث» برگزار شود.
۴	فنون فهم و استنباط	۲	*	۳۲	بازآموزی مباحث مقدمات اصول استنباط، الفاظ، مفاهیم، عام و خاص، مطلق و مقید به صورت کاربرستی در مسیر فهم متون اسلامی
۵	فقه استدلالی کاربردی	۲	*	۳۲	مباحث مرتبط باب نکاح و طلاق و احکام فقهی خانواده و مشاوره
۶	روش فهم تخصصی روان‌شناختی متون اسلامی	۲	* *	۱۶ + ۳۲	
۷	۱. تحلیل پیرافقهاتی متون اسلامی خانواده با رویکرد روان‌شناختی ۲. تحلیل فقهاتی متون اسلامی خانواده با رویکرد روان‌شناختی	۲	* *	۱۶ + ۳۲ ۱۶ + ۳۲	این دو درس بسته به شرایط می‌تواند در ۲ واحد درسی تحت عنوان «تحلیل اجتهادی متون اسلامی خانواده با رویکرد روان‌شناختی» برگزار شود.

مجموع واحدهای پیش نیازی	۸ الی ۱۲ واحد	مخصوص دانشجویان بدون سوابق علوم اسلامی یا تحصیلات حوزوی
مجموع واحدهای اصلی	۴ الی ۶ واحد	برای همه دانش پژوهان رشته های روان شناسی با رویکرد اسلامی

با توجه به اهداف (تربیت دانش پژوهان با قابلیت های ویژه در تولید علم و یا در جنبه های کاربردی آن) و محدودیت های واحدهای آموزشی، این برنامه از «انعطاف پذیری ساختاری» برخوردار است. یک روند حداقلی برای مراکز با محدودیت واحدهای درسی یا دانش پژوهانی با پیش زمینه تحصیلات حوزوی مانند مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) یا واحدهای مشابه گذرانده در دوره های کارشناسی، مانند دانشگاه شهید مطهری؛ و یک روند حداکثری برای مؤسساتی که امکان ارائه دوره های مفصل تر و عمیق تر را دارند، پیش بینی شده است. این امر، امکان بهره گیری طیف وسیعی از مراکز آموزشی (از دانشگاه ها تا حوزه های علمیه و مؤسسات تخصصی) از این نظام آموزشی را فراهم می سازد. بنابراین این برنامه آموزشی در دو الگو قابل ارائه است:

الگوی حداقلی (فشرده) و الگوی حداکثری (جامع).

الگوی حداکثری (جامع)

- مخاطب: دانش پژوهان با هر سطحی از پیش زمینه
- ساختار: ارائه کامل درس های پیش نیاز (ادبیات، روش فهم قرآن و حدیث، فقه و اصول) به همراه درس اصلی (روش فهم تخصصی متون اسلامی و تحلیل پیرافقاهتی و فقهاتی) و یک «پروژه پایانی تلفیقی»
- حجم: ۱۲ تا ۱۸ واحد درسی

الگوی حداقلی (فشرده)

- مخاطب: دانش پژوهانی با پیش زمینه نسبتاً قوی علوم اسلامی در درس های پیش نیاز
- ساختار: تمرکز بر درس های اصلی (روش فهم تخصصی متون اسلامی و تحلیل پیرافقاهتی و فقهاتی) و ارائه «کارگاه های فشرده» برای بازآموزی و کاربردی کردن درس های دیگر
- حجم: ۴ تا ۶ واحد درسی

لازم به یادآوری است که گاه دغدغه های طولانی نشدن دوره های آموزشی در تعارض با اهداف آموزشی خاص قرار می گیرد که در این صورت می توان از الگوهای فشرده بهره مند شد. بدین منظور، می توان برخی واحدهای پیش نیازی را معادل سازی و برخی دیگر را به صورت کارگاهی کاربردی اجرا کرد. برخی درس ها مثل

«روش فهم تخصصی متون اسلامی» را بسیاری از مراکز دانشگاهی یا رشته‌های با گرایش اسلامی از پیش تعریف شده دارند و یا امکان جایگزینی برخی از این درس‌ها به جای برخی از سرفصل‌های غیرضروری عمومی یا معارفی، حتی تخصصی موجود نیز وجود دارد. البته می‌توان این گونه نظام آموزشی را در برخی از دوره‌ها به شکل ویژه‌تر برگزار کرد. برای مثال می‌توان رشته روان‌شناسی با گرایش «بنیان‌ها و کاربردهای روش‌شناختی در جهت تولید علم» را تعریف کرد. آن وقت برای تنظیم یک سیر درسی روشی در ابتدای کار واحدهای درسی دیگر، از جمله «مبانی و پارادایم استفاده از روش اجتهادی در علوم توصیفی روان‌شناختی» نیز نیاز خواهد بود.

۲. طرح‌های درسی تحلیل پیرافقاهتی و فقه‌ای متون اسلامی

کار اساسی و نوآورانه این پژوهش در ارائه دو طرح درسی تخصصی و مکمل متجلی است که هریک ناظر به سطحی متفاوت از تحلیل روش‌شناختی متون اسلامی‌اند.

۲-۱. درس‌نامه «تحلیل پیرافقاهتی متون اسلامی خانواده با رویکرد روان‌شناختی»

محور اصلی این طرح، آموزش عملی و مرحله‌به‌مرحله روش‌های «پیرافقاهتی» فهم متون اسلامی است؛ به گونه‌ای که مخاطب، بدون ورود به مباحث استنباط فقهی به معنای خاص، با لایه‌های زبانی، دلالی، تفسیری و فقه‌الحديثی متن آشنا شده و توانایی فهم روشمند و معتبر متون دینی در حوزه روان‌شناسی خانواده را به دست آورد. در این طرح، تحلیل متون اسلامی از رهگذر یک فرآیند فهم‌پژوهی تفسیری و فقه‌الحديثی انجام می‌شود. متون قرآنی و روایی خانواده به صورت موضوعی و مسئله‌محور انتخاب شده و با رویکردی ساختاری، ادبی و معناشناختی بررسی می‌گردند؛ سپس برداشت‌های علمی، مستند به شواهد دلالی، قراین سیاقی و روابط معنایی، توصیف و تبیین شده؛ و در نهایت، یافته‌ها در قالب مفاهیم و تبیین‌های روان‌شناختی صورت‌بندی می‌شوند. ویژگی متمایز این متن درسی آن است که ضمن انتقال مباحث روزآمد روان‌شناسی خانواده برآمده از آموزه‌های اسلامی، قواعد و ابزارهای روش‌شناختی پیرافقاهتی - با تأکید بر علوم ادبی، معانی و بیان، قواعد تفسیری و فقه‌الحديثی - به شیوه‌ای ارائه می‌شود که دانش‌پژوه متوجه می‌شود که تحلیل‌ها و تبیین‌ها با کاربست کدام روش و چگونه به دست می‌آید.

روند تدوین و اجرای این طرح آموزشی نیز در قالب چهار مرحله سامان می‌یابد: مرحله اول، ساختاردهی و انتخاب متون؛ چارچوب مفهومی و ساختار محتوایی درس تعیین می‌شود؛ سپس آیات و روایات منتخب مرتبط با روان‌شناسی خانواده، به صورت موضوعی و مسئله‌محور، از منابع معتبر اسلامی گردآوری و طبقه‌بندی می‌گردند؛ مرحله دوم، تحلیل مفهومی و ادبی متن از طریق مفهوم‌شناسی لغوی و اصطلاحی واژگان کلیدی؛ بیان نکات ضروری ادبیات عرب، شامل دانش صرف، نحو و بلاغت، متناسب با نیاز فهم متن؛ مرحله سوم، توصیف، تبیین

و تحلیل تفسیری و فقه الحدیثی و تحلیل اطلاعات؛ به گونه ای که مراد گوینده و دلالت های متن، از طریق بررسی روابط معنایی (سمانتیکی)، سیاق و شواهد درون متنی مشخص گردد؛ مرحله چهارم، تحلیل تخصصی با استفاده از فنون روش فهم تخصصی متون اسلامی که بر پایه این فهم روشمند، تبیین های روان شناختی متناسب با موضوع خانواده ارائه می شود. این طرح می کوشد با تمرکز بر لایه های زبانی، تفسیری و معناشناختی متون اسلامی، الگویی آموزشی برای پیوند روشمند میان متون دینی و روان شناسی خانواده ارائه دهد و زمینه ارتقای مهارت فهم و تبیین علمی و روشمند متون اسلامی را در مخاطبان فراهم سازد.

۲-۲. درس نامه «تحلیل فقهاتی متون اسلامی خانواده با رویکرد روان شناختی»

ویژگی شاخص این متن، آموزش ضمنی روش شناسی اجتهادی در تحلیل متون اسلامی است؛ به گونه ای که مخاطب، همزمان با آشنایی با تحلیل های روان شناختی خانواده، با قواعد و مراحل فهم فقیهانه متون دینی نیز آشنا می شود. منظور از «تحلیل فقهاتی متون» در این طرح، ورود به اجتهاد به معنای خاص و استنباط مستقیم احکام الزام آور فقهی نیست، بلکه به کارگیری اصول و قواعد پذیرفته شده اصول فقه، فقه و علوم حدیث، به منظور دستیابی به فهم معتبر، روشمند و علمی از متون اسلامی است. تمرکز اصلی در این متن، ارزیابی اعتبار سند با بهره گیری از قواعد علم رجال و درایه، مباحث اصولی مرتبط با روش های فهم و تطبیق گزاره های قرآنی و حدیثی در حوزه خانواده، مبانی فقهی و شیوه بهره گیری از گزاره های دینی در سامان دهی سبک زندگی خانوادگی، تحلیل علمی و فقیهانه متون اسلامی و استخراج منظم و روشمند محتوای روان شناختی خانواده از آیات و روایات است.

روند تدوین این کتاب آموزشی نیز در قالب پنج مرحله طراحی شده است: مرحله اول، ساختاردهی و گردآوری متون؛ چارچوب مفهومی و دسته بندی محتوایی مباحث خانواده تعیین می شود؛ سپس آیات و روایات متمایز با کتاب اول، به صورت موضوعی و مسئله محور، از منابع معتبر اسلامی - به ویژه با محوریت کتاب «النکاح» از مجموعه الکافی - گردآوری و طبقه بندی می گردند؛ مرحله دوم، بررسی اعتبار سند با اشاره به مباحث رجالی و درایه ای به صورت هدفمند و غیر تکراری؛ مرحله سوم، تحلیل زبانی و مفهومی متن از طریق واژه شناسی مفردات کلیدی نکات ضروری ادبیات عرب در حد فهم دقیق مضمون (چون قواعد آن در کتب اول بیان می شود، در این مرحله در حد نیاز مطرح می شود)؛ مرحله چهارم، تحلیل فقهاتی و اصولی به صورت کاربردی و همزمان با تحلیل متن؛ مرحله پنجم، استخراج یافته ها و تبیین روان شناختی مبتنی بر شواهد درون متنی و برون متنی از طریق دسته بندی یافته ها.

۳. مورد پژوهی «تحلیل اجتهادی متون اسلامی خانواده با رویکرد روان شناختی»

مطابق با دو طرح درسی، البته به صورت تلفیقی (به دلیل محدودیت در حجم پژوهش و منطبق با الگوی دوره های فشرده برای مراکز با محدودیت واحدهای درسی) گلچینی از روش های پیرافقهاتی و فقهاتی در نمونه مثال ذیل ارائه می گردد.

متن پایه:

لَا غِنَى بِالزَّوْجِ عَنْ ثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ زَوْجَتِهِ وَهِيَ الْمُوَافَقَةُ لِيَجْتَلِبَ بِهَا مُوَافَقَتَهَا وَمَحَبَّتَهَا وَهَوَاهَا وَحُسْنَ خَلْقِهِ مَعَهَا وَاسْتِعْمَالَهُ اسْتِمَالَةً قَلْبِهَا بِالْهَيْئَةِ الْحَسَنَةِ فِي عَيْنِهَا وَتَوْسِيعَتَهُ عَلَيْهَا؛ وَلَا غِنَى بِالزَّوْجَةِ فِيمَا بَيْنَهَا وَبَيْنَ زَوْجِهَا الْمَوَافِقِ لَهَا عَنْ ثَلَاثِ خِصَالٍ وَهِيَ صَيَانَةُ نَفْسِهَا عَنْ كُلِّ دَنَسٍ حَتَّى يَطْمَئِنُّ قَلْبُهُ إِلَى الثَّقَةِ بِهَا فِي حَالِ الْمُحْبُوبِ وَالْمَكْرُوهِ وَحَيَاطَتُهُ لِيَكُونَ ذَلِكَ عَاطِفاً عَلَيْهَا عِنْدَ زَلَّةٍ تَكُونُ مِنْهَا وَإِظْهَارُ الْعَشْقِ لَهُ بِالْخِلَابَةِ وَالْهَيْئَةِ الْحَسَنَةِ لَهَا فِي عَيْنِهِ (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۳۱۵)؛

شوهر در روابط خود با همسرش از سه چیز بی‌نیاز نیست: ۱. همراهی و سازگاری با همسر برای جلب توافق و همراهی متقابل، محبت و دل‌بستگی و تمایل او؛ ۲. خوش‌خلقی و خوش‌رفتاری با همسر؛ همچنین دل‌انگیزی و به‌دست آوردن دل او با خوش‌پوشی و آراستگی؛ ۳. گشاده‌دستی و فراهم کردن زندگی راحت برای او. زن نیز در زندگی مشترک با شوهر همراهش، از سه ویژگی بی‌نیاز نیست: ۱. حفظ و صیانت خود از هر پلیدی و آلودگی تا شوهرش با اعتماد به او در هر شرایط خوشایند یا ناخوشایندی در اطمینان و آرامش به سر برد؛ ۲. رسیدگی به شوهر تا اگر لغزشی از او سر زند، با مهربانی و عطف‌ت با او برخورد کند؛ ۳. اظهار عشق به شوهر با عشوه‌گری، دلبری، آراستگی و زیبا جلوه دادن خودش در نظر همسرش.

این حدیث در کتاب تحف العقول حرانی نقل شده است. این کتاب جزو کتاب‌های درجه ۲ حدیثی محسوب می‌شود. اگرچه ممکن است در بررسی‌های رجالی دقیق، طریق این حدیث مورد بحث باشد، اما انسجام و موافقت محتوایی آن با آیات قرآن (مانند آیه ۲۱ روم درباره مودت و رحمت، و آیات سوره نساء درباره معاشرت به معروف) و سایر روایات خانواده، سبب تقویت مضمون آن می‌شود. با توجه به مطالبی که در توضیح روایت بیان خواهد شد، از این روایت استفاده می‌شود که امام علیه السلام در پی ترسیم زیرساخت‌های روانی بقا و ثبات ازدواج است، نه صرفاً فضایل اخلاقی یا آداب ظاهری.

این حدیث با عبارت «لَا غِنَى بِالزَّوْجِ...» آغاز شده است. ساختار این جمله که دلالت بر نفی جنس دارد، ساختاری خبری، اما با دلالتی قوی بر «ضرورت وجودی» بر نهی از ترک یک‌سری امور در روابط همسران دارد، نه صرفاً بیان یک‌سری توصیه اخلاقی، پس این ساختار می‌رساند که این سه ویژگی، هسته مرکزی نقش‌های زن و شوهر و عناصر شرط بقای رابطه هستند (شرط لازم). این الزام، ناظر به «حفظ موضوع حکم» (بقای زوجیت سالم) است، پس این عناصر، مقوم موضوع‌اند. همچنین حرف «الباء» که به معنای الصاق است، بیان‌کننده این است که این سه ویژگی، ذاتی همسری هستند و چسبیده به این جایگاه و نقش هستند نه چیزی که از بیرون اضافه شده باشد. همچنین استفاده از «لا غنی» نوعی حصر ادعایی ایجاد می‌کند که گویا این امور، حداقل‌های ضروری و غیر قابل چشم‌پوشی هستند. سپس متن این حدیث با استفاده از فن تقسیم که یکی از

فنون علم بدیع است، یک ساختار سه گانه ارائه می دهد. این ساختار و تقارن «ثلاثة أشياء / ثلاث خصال» نشان می دهد رابطه زناشویی دارای چند مؤلفه هم زمان و مکمل است و حذف هر مؤلفه، تعادل سیستم را مختل می کند. این ساختار موازی و متقابل روایت نشان می دهد اسلام رابطه زناشویی را یک شراکت عاطفی متعادل بین زن و شوهر می داند که هر دو طرف در قبال کیفیت آن مسئولیت پذیر هستند.

سه گانه وظایف مکمل زوج و زوجه در این روایت عبارت اند از: ۱. مدیریت مقتدرانه / مراقبت کنندگی (الموافقة الصیانه)؛ ۲. حمایتگری / پرورش دهنده گی (حسن الخلق - الحیاطة)؛ ۳. مهیا کنندگی / مهرورزی (توسعة - اظهار العشق). از این سه محور، یک الگوی متناظر سه گانه از سبک ارتباطی همسران به دست می آید که در آن هریک از زن و مرد لازم است مطابق با نقش ها و کارکردهای اختصاصی خود، شیوه های رفتاری خاصی را در روابطشان به کار گیرند تا ارتباط زناشویی سازنده ای داشته باشند.

بخش مربوط به زوج سه مؤلفه کلیدی دارد:

«الْمُؤَافَقَةُ» (همدلی و همراهی فعال): «الْمُؤَافَقَةُ لِيَجْتَلِبَ بِهَا مُوَافَقَتَهَا وَمَحَبَّتَهَا وَهَوَاهَا». «الموافقة» از ریشه «و ف ق» به معنای همراهی، هم جهتی و تطابق است (مصطفی و همکاران، ۱۳۸۹). صیغه «مفاعلة» در «الموافقة» بر تعامل دوسویه دلالت دارد. این نشان می دهد «همراهی» مرد، یک فرآیند تعاملی با همسرش است، نه یک کار مقطعی. لام در لیجتلب تعلیل تحصیلی است، یعنی موافقت باعث ایجاد این هدف خاص خواهد شد، و جالب اینجاست که به جای فعل ثلاثی مجرد در جلب، از باب افتعال استفاده شده است. این صیغه دلالت بر مطاوعه دارد که به معنای اثرپذیری است، و این یعنی اثر موافقت، جلب خودبه خود موافقت زن است. از کلمه «لام» استفاده می شود که مرد با موافقت خویش، یک جهت دهی آگاهانه به رابطه می دهد. پس موافقت به مثابه یک مدیریت مقتدرانه رابطه است. از این جهت که موافقت مرد: ۱. کاری هدف دار است؛ او همسرش را جهت دهی می کند؛ ۲. راهبرد دارد؛ راهبرد او «موافقت» است؛ ۳. فرایندی فعال است نه منفعل؛ موافقت سازگاری منفعلانه نیست، بلکه یک هماهنگی و همراهی فعال است؛ زیرا به جای باب تفاعل (توافق) از باب مفاعله استفاده شده که دلالت بر شروع کنندگی مرد دارد که بیانگر کنشی بودن موافقت است نه واکنشی بودن. همچنین با توجه به معنای لغوی وفق، موافقت که دلالت به همراهی دارد، با پیروی که دلالت به تبعیت دارد و دلالت بر واکنشی و منفعلانه بودن دارد، متفاوت خواهد بود. علاوه بر اینها، موافقت (که دلالت بر مدیریت مقتدرانه دارد)، وجه تمایز بین مدیریت مقتدرانه با مدیریت مستبدانه خواهد بود. آیه ۳۴ سورة نساء، و حدیث «مِنْ سَعَادَةِ الرَّجُلِ أَنْ يَكُونَ الْقَيِّمَ عَلَى عِيَالِهِ» (کلینی، ۱۳۶۵)، قرینه منفصل بر معنای مدیریت بوده و آن را تأیید می کنند، و حدیث «فَإِنَّ الْمَرْأَةَ رِيحَانَةٌ وَلَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ فَذَارَهَا عَلَى كُلِّ حَالٍ وَأَحْسِنِ الصُّحْبَةَ لَهَا لِيَصْفُو عَيْشُكَ» (شیخ صدوق،

۱۴۱۳ق)، قرینه بر مقتدرانه و غیرمستبدانه بودن مدیریت دارد. این یافته با قوانین وجودی زن و مرد نیز سازگار است. نیاز به قدرت در مردان بیشتر و اساسی‌تر از زنان بوده و طبق برخی پژوهش‌ها، در روابط با تسلط مرد بر زن، رضامندی زناشویی بیشتر است (زارعی و همکاران، ۱۳۹۲).

«حُسْنُ خُلُقٍ» (خوش‌رفتاری در حمایت‌گری): «وَحُسْنُ خُلُقِهِ مَعَهَا». «خُلُق» به معنای خو و اخلاق، طبیعت و سجیه است (فراهیدی، ۱۴۰۸ق؛ جوهری، ۱۴۰۴ق؛ شرتونی، ۱۳۷۴). رفتارهای نیکو نمود بیرونی خلق و خوی است و لازمه حسن رفتار، حمایت‌گری خوب است. بنابراین حسن خلق را می‌توان به‌صورت التزامی بر حمایت‌گری منطبق دانست و از مهم‌ترین جنبه‌های حمایت‌گری مردان، حمایت عاطفی است. در همین راستا رسول خدا ﷺ فرموده‌اند: «أَحْسَنُ النَّاسِ إِيْمَانًا أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا وَالْأَطْفَهُمْ بِأَهْلِهِ وَأَنَا الْأَطْفَكُكُمْ بِأَهْلِي» (شیخ صدوق، ۱۳۷۸). فرد خوش خلق با همسر و دیگر اعضای خانواده با لطف و مهربانی رفتار می‌کند و همین باعث ایجاد امنیت روانی در آنها می‌شود.

در ادامه روایت یکی از مصادیق مهم حمایت‌گری را مطرح می‌کند: «وَاسْتِعْمَالُهُ اسْتِمَالَةً قَلْبُهَا بِالْهَيْئَةِ الْحَسَنَةِ فِي عَيْنِهَا» (دل‌انگیزی از طریق آراستگی). «استمالة القلب»، یعنی میل دادن دل به سمت خود و از باب استفعال و به معنای طلب میل است. قلب، کنایه از عمق وجود و مرکز عواطف است. بنابراین این عبارت، بیانگر «کسب عشق و علاقه عمیق» است و این یعنی هدف تنها رضایت ظاهری نیست، بلکه جلب محبت باطنی است. تأکید روایت بر «استمالة القلب» از طریق آراستگی، اشاره به تلاش آگاهانه برای حفظ جذابیت دارد. این یک مهارت رابطه‌ای پیشگیرانه برای مبارزه با «عادت‌شدگی» و «غفلت از رابطه» است. در کنار همه اینها، روایت معیار آراستگی را «در نظر همسر» شمرده، نه نظر شوهر یا جامعه. این یعنی مرد باید علایق زیبایی‌شناختی خاص همسرش را بشناسد و به آن پاسخ دهد. این امر یکی از مهم‌ترین مصادیق حمایت‌گری عاطفی از زن است؛ میل و علاقه او را دانستن و مطابق با آن در پیش او ظاهر شدن. در تأیید این فقره، امام رضا ﷺ در حدیثی فرمودند: «زنان بنی اسرائیل از عفت و پاکی دست برنداشتند جز به این دلیل که شوهرانشان خود را نمی‌آراستند» (مجلسی، ۱۴۰۴ق).

«تَوَسَّطَتْهُ عَلَيْهَا» (گشاده‌دستی در مهیا‌کنندگی): توسعه به معنای فراخی است (شرتونی، ۱۳۷۴). در منابع اسلامی سفارش شده است که افرادی که بهره‌مند هستند، باید بر افراد تحت تکفل خود گشایش دهند (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق). این موارد دلالت التزامی بر وظیفه مهیا‌کنندگی در مرد دارد.

بخش مربوط به زوجه نیز سه مؤلفه کلیدی است:

«صَيَانَةُ نَفْسِهَا عَنْ كُلِّ دَنَسٍ حَتَّى يَطْمَئِنَّ قَلْبُهُ إِلَى الثَّقَةِ بِهَا» (صیانت در مراقبت‌کنندگی): «صیانة» از ریشه «ص و ن» به معنای حفظ و نگهداری از آسیب است و «دنس» به هرگونه آلودگی اخلاقی، رفتاری و حتی ظاهری اطلاق می‌شود (مصطفی و همکاران، ۱۹۸۹). غایت «صیانة النفس» با «حتی» بیان شده است: «حَتَّى

يُطْمَنِّ قَلْبُهُ». این ساختار، یک حصر غایی ایجاد می‌کند، یعنی تمامی تلاش زن برای حفظ خویشتن، باید در جهت ایجاد «اطمینان قلبی» در شوهر باشد. این نشان می‌دهد هدف نهایی، یک حالت روان‌شناختی (اطمینان و آرامش) است. همچنین این عبارت نشان می‌دهد که قلب مرد باید «مطمئن» شود، یعنی رابطه برای او محل تهدید نباشد. همچنین با استفاده از قاعده «تفقیح مناط»، می‌توان دریافت که مناط و علت حکم (ضرورت صیانت نفس برای زن)، ایجاد «اطمینان قلبی» در شوهر است. بنابراین هر عملی از زن (حتی اگر به ظاهر عادی باشد) که این اطمینان را خدشه‌دار کند، تحت شمول این حدیث قرار می‌گیرد (مانند ارتباطات نامناسب در فضای مجازی که ممکن است عفت عملی هم نقض نشود، اما اطمینان را از بین ببرد). از طرف دیگر، هر عملی هم که اطمینان قلبی در شوهر را افزایش دهد، مطلوب قلمداد می‌شود. همچنین صیانت از دس، دلالت بر یک حفاظت فعال و همه‌جانبه دارد. این امر، تنها منحصر به عفت جنسی نیست، بلکه شامل پاکی در تمام جوانب و ابعاد می‌شود، مانند گفتار، رفتار، نیت و حتی ارتباطات اجتماعی. این امر، چیزی فراتر از مفهوم فقهی عفت است. این یک سازه روان‌شناختی کلیدی به نام اعتماد است. از این مطالب می‌توان دریافت که مراقبت کردن از موضوع عشق و مسئولیت‌پذیری نسبت به دیگران «هسته اصلی اخلاقیات» زنان بوده و هویت زن را نقش مراقبت‌کنندگی و محافظت‌کنندگی او تشکیل می‌دهد. در روایات دیگر نیز مراقبت‌کنندگی زن، مورد تأکید قرار گرفته شده (ورام، ۱۴۱۰ق) و داشتن چنین همسری برای مرد، نهایت سعادت مردان معرفی شده است (کلینی، ۱۳۶۵).

«حَيَاتُهُ لِيَكُونَ ذَلِكَ عَاطِفًا عَلَيْهَا عِنْدَ زَلَّةٍ» (رسیدگی در پرورش‌دهندگی): «حیاطه» از ریشه «ح و ط» به معنای احاطه کردن، مراقبت کردن، رسیدگی و پشتیبانی است؛ رسیدگی تمام‌عیار (جوهری، ۱۴۰۴ق). واژه «حیاطه» بار معنایی قوی‌تری از «خدمت» دارد. زن، شوهر را در همه ابعاد (جسمی، عاطفی، روانی) در حلقه مراقبت خود قرار می‌دهد. این همان مفهوم «پرورش‌دهندگی» است. در روایات دیگر نیز جهاد زنان را خوب شوهرداری معرفی کرده‌اند (کلینی، ۱۳۶۵)، و این خصلت مطابق با گرایش ذاتی زنان در امر پرورندگی است. یکی از عمیق‌ترین مفاهیم این متن این است که رابطه در خطا رها نمی‌شود، بلکه محافظت می‌شود. زن با حمایت عاطفی سرمایه عاطفی در رابطه ایجاد می‌کند. از آنجاکه هیچ انسانی از خطا مصون نیست، اما مرد دارای سرمایه عاطفی انباشته‌شده از طریق «مراقبت»، در مواجهه با خطای همسر خویش، به جای پاسخ تلافی‌جویانه، تمایل به بخشش و جبران رابطه پیدا می‌کند؛ در نتیجه، این چرخه، یک سیستم خودتثبیت‌کننده برای رابطه ایجاد می‌کند: مراقبت باعث ایجاد سرمایه عاطفی، و سرمایه عاطفی باعث افزایش احتمال بخشش در مواقع خطا، و احتمال بخشش در مواقع خطا باعث ترمیم رابطه، و ترمیم رابطه باعث تقویت تمایل به مراقبت بیشتر می‌شود.

«إِظْهَارُ الْعُشْقِ لَهُ بِالْخِلَابَةِ وَالْهَيْئَةِ الْحَسَنَةِ» (دلربایی در مهرورزی): «الْخِلَابَةُ» به معنای ناز و اظهار

محبت، جلوه‌گری عاشقانه، مفهومی فراتر از آراستگی ظاهری صرف و شامل رفتارهای جذاب عاطفی است. «إظهار العشق» بر ابراز عشق کلامی و غیر کلامی تأکید دارد. «خِلابَة» (جلوه‌گری عاشقانه)، این مفهوم، مهارت حفظ جاذبه جنسی و عاطفی را در زن پررنگ می‌کند. این رفتارها (که می‌تواند شامل زبان بدن، نوازش، مکالمه صمیمی و... باشد) شور و اشتیاق را در رابطه زنده نگه می‌دارد. در برخی روایات نیز بهترین زنان را، زنان مهرورز دانسته است (کلینی، ۱۳۶۵). آنچه در این حدیث برجسته است، تفاوت در گونه‌های ابراز محبت و اظهار عشق و تفاوت‌هایی است که زن و مرد به آن نیاز دارند. اگر نیاز عشق‌ورزی در زنان به‌صورت کلامی و شنیداری است، نیازهای مرد بیشتر دیداری و جنسی است. به همین دلیل در روایت، به خلابه و هیئت حسنه، آن هم در نظر مرد، تعبیر کرده است؛ یعنی جلوه‌گری زن بایستی به‌گونه‌ای باشد که نیاز دیداری مرد را تأمین کند و مورد پسندش باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

نظام آموزشی ارائه‌شده در این پژوهش، به‌ویژه طرح‌های درسی تحلیل فقهاتی و پیرافقهاتی، می‌کوشد الگویی آموزشی برای پیوند روشمند میان متون اسلامی و علوم انسانی، با موردپژوهی روان‌شناسی خانواده ارائه دهد و توانایی تحلیل علمی و فقیهانه متون دینی را به‌صورت عملی در مخاطبان تقویت کند. این نظام آموزشی در کاربرپذیری روش‌های اجتهادی، بر پایه چند اصل کلیدی از علوم تربیتی و روش‌شناسی استوار است:

- ساختار سلسله‌مراتبی: حرکت از سطوح پایین‌تر شناختی (دانش، درک) به سطوح بالاتر (تحلیل، ترکیب، ارزیابی).
- یادگیری سازنده‌گر: دانش‌پژوه به‌طور فعال، دانش جدید را بر اساس دانش پیشین خود می‌سازد. هر گام، بنای گام بعد است.
- فهم و استنباط: روش‌های فهم و استنباط مرسوم در علوم حوزوی (اما با جهت‌گیری بین‌رشته‌ای و قالب‌های روزآمد علمی).

در ادامه، هر بخش از الگوریتم ارائه‌شده در این پژوهش را با توجه به اصول فوق تبیین می‌کنیم.

تبیین گام‌های ۱ و ۲: پایه‌گذاری «سواد متنی و زبان‌شناختی»

گام اول: ادبیات عرب کاربردی

علت تقدم این گام آن است که زبان، واسطه غیر قابل اجتناب فهم است. بدون تسلط بر ساختار زبان عربی، هرگونه تفسیر از متن، متکی بر ترجمه‌های ثانویه و غیردقیق خواهد بود و استقلال علمی پژوهشگر را از بین می‌برد. این گام پایه‌ای‌ترین سطح در طبقه‌بندی دانشی را پوشش می‌دهد. مکانیسم اجرایی این گام به این شکل است که آموزش به شیوه «کاربردی - موقعیتی» ارائه می‌شود؛ مثلاً به‌جای حفظ جدول ابواب صرف، دانش‌پژوه از روز اول با متون واقعی حوزه تخصصی خود (خانواده) مواجه می‌شود. این کار، انگیزه را افزایش داده و «کاربرد» قواعد را به‌طور ملموس نشان می‌دهد.

گام دوم: «قرآن و روش فهم آن» و «حدیث روش فهم آن»

دلیل ضرورت روش تدبر و فهم قرآن آن است که قرآن یک کتاب «خطی» نیست، بلکه یک «شبکه معنایی» به هم پیوسته است. فهم آیات بدون توجه به بافت سیاقی، تاریخی و سوره‌ای، منجر به «تفسیر به رأی» و استنباط‌های ناقص می‌شود. بنابراین ضروری است برای فهم استاندارد و معتبر از قرآن، این گام مورد آموزش جدی قرار گیرد. این گام از طریق یادگیری قواعد تفسیری کاربردی و تطبیق آن بر آیات ناظر به خانواده اجرا می‌شود. دانش‌پژوهان، با آموزش قواعد فهم حدیث قادر خواهند بود به فهم ظاهر متن و پس از آن به فهم مراد جدی گوینده مبتنی بر شواهد و قرائن معتبر برسند.

تبیین گام ۳: سواد اجتهادی و فقه‌ای

مباحث کاربردی اصول فهم و استنباط

این علم در حکم «نرم‌افزار استدلال» است. تا اینجا، دانش‌پژوه «داده» جمع‌آوری کرده و اکنون نیاز به «یک ابزار» برای پردازش آن دارد. قواعد اصولی، این امکان را ارائه می‌دهند. این گام آگاهی از فرآیندهای فکری خود در حین استنباط را آموزش می‌دهد. در خلال آموزش این گام، از دانش‌پژوه خواسته می‌شود خود را در جایگاه یک مجتهد فرض کند که با یک مسئله مدرن غیرهنجاری مواجه شده است.

مباحث کاربردی فقه استدلالی

این علم در نقش «عملگاه» قواعد اصولی ظاهر می‌شود. دانش‌پژوه می‌بیند که قواعد نظری چگونه در پرونده‌های واقعی فقهی به کار گرفته شده‌اند. دانش‌پژوه به جای حفظ یک سری قواعد اصولی و فقهی، آن قواعد را در قالب مسائل حوزه خانواده به کار می‌گیرد. مکانیسم آن استفاده از مطالعه موردی است که در آن یک مسئله فقهی - خانوادگی از ابتدا تا انتها با ردیابی استدلال‌های مختلف تدریس می‌شود.

تبیین گام ۴: سواد تحلیل تخصصی

این گام (روش فهم تخصصی روان‌شناختی متون)، نقش «پل ارتباطی» بین دو جهان‌بینی (دینی و روان‌شناختی) را ایفا می‌کند. بدون این پل، یا متون دینی به شکل خشک تفسیر می‌شوند، و یا یافته‌های روان‌شناسی به صورت التقاطی به دین نسبت داده می‌شوند. این مرحله آغاز فرآیند «ترکیب» است. دانش‌پژوه یاد می‌گیرد چگونه مفاهیم از دو حوزه کاملاً متفاوت را به هم مرتبط کند. در این گام دانش‌پژوهان باید بیاموزند با مطالعه انبوهی از آیات و روایات، خود به استخراج مفاهیم روان‌شناختی از دل آنها بپردازند، نه اینکه صرفاً مفاهیم از پیش تعریف‌شده روان‌شناسی را بر متون تحمیل کنند.

تبیین گام ۵ و ۶: توسعه سواد تلفیقی و تحلیل کاربری

گام ۵: تحلیل پیرافقاهتی متون

به‌کارگیری این علوم و روش‌ها در ضمن بررسی متون اسلامی روان‌شناختی، از یک‌سو زمینه‌ای برای تطبیق و تمرین عملی روش‌های اجتهادی در متون دینی است؛ و از سوی دیگر، زمینه‌ای برای فهم صحیح و برداشت‌ها و تحلیل‌های این متون با رویکرد علمی، ادبی، حدیثی و تفسیری است که منجر به افزایش و توسعه دانشی خواهد شد. در این گام در یک فرایند فهم‌پژوهی تفسیری و فقه‌الحدیثی، متون اسلامی خانواده به شکل موضوعی و مسئله‌محور، تجزیه و تحلیل ساختاری و ادبی شده و مفردات و ترکیب آن مشخص می‌شود؛ سپس برداشت‌های علمی با ذکر شواهد دلالتی و معناشناختی آن توصیف و تبیین می‌شود. ذیل هر آیه و روایت و در ضمن ترجمه توضیحی (معانی و مفاهیم آنها)، ابتدا مفهوم‌شناسی لغوی و اصطلاحی واژگان کلیدی مورد نیاز بیان می‌شود؛ سپس تجزیه و ترکیب و مباحث ادبی (اعم از صرف، نحو و بلاغت) ذکر می‌شود؛ دست آخر، با اشاره به مباحث و قواعد تفسیری و فقه‌الحدیثی، متون مذکور توصیف و تبیین روان‌شناختی می‌شوند. تحلیل متون به‌گونه‌ای خواهد بود که مراد صاحب سخن با بیان دلالت‌های متن و روابط معنایی (سمانتیکی) مشخص شود. تحلیل و تفهیم‌ها با بهره‌گیری از روش‌های موجود فهم عمومی و تخصصی روان‌شناختی انجام می‌گیرد.

گام ۶: تحلیل فقاهتی متون

این گام به روش‌های اجتهادی به معنای عام و تحلیل‌ها و تبیین‌های روان‌شناختی متون اسلامی به‌صورت فقیهانه می‌پردازد؛ یعنی کاربری قواعد اصولی و فقهی و شیوه‌های استظهار و استنباط به هدف یافتن توانایی فهم صحیح متون اسلامی و در خدمت کشف بنیان‌های علمی آنها و کاربردی‌سازی و صورت‌بندی علمی به یافته‌هاست. ذیل آیات و روایات محوری، ابتدا با اشاره به مباحث علوم قرآنی و حدیثی مورد نیاز، اعتبار سند احادیث مورد بررسی قرار می‌گیرند و نکات رجالی و درایه‌ای مورد نیاز نیز بیان می‌شود. مباحث و قواعد فقهی و اصولی در فرایند متن‌پژوهی فقاهتی با تحلیل‌های روان‌شناختی مطرح می‌شود. شیوه استنباط از گزاره‌های قرآنی و حدیثی به‌صورت کاربردی آموزش داده می‌شود؛ سپس یافته‌های توصیفی و تبیینی به‌صورت دسته‌بندی و کوتاه بیان می‌شود. در انتها با استفاده از یافته‌ها و مباحث تحلیلی فوق و در صورت نیاز با اشاره به فلسفه احکام، تبیین‌های روان‌شناختی نسبت به متون مذکور ارائه می‌گردد. این امر نیازمند اشاره به شواهد و قرائن درون‌متنی و برون‌متنی در یک فرایند استدلال برهانی است.

این الگوریتم به دلایل متعددی از اثربخشی علمی برخوردار است: هماهنگی با ساختارشناختی مغز انسان که به‌طور طبیعی از ساده به پیچیده یاد می‌گیرد؛ ایجاد انگیزه درونی از طریق تمرکز بر حوزه تخصصی مورد علاقه

دانش‌پژوه از همان آغاز؛ پرورش تفکر انتقادی و خلاق که دانش‌پژوه را از یک «مقلد» به یک «محقق منتقد» و سپس به یک «نظریه‌پرداز خلاق» تبدیل می‌کند؛ و در نهایت، مهندسی معکوس فرآیند علم‌دانی که دوره‌های طولانی تحصیل را به شکلی فشرده و هدفمند بازمهندسی کرده است. دانش‌پژوه باید در راستای مقاصد عالی علم اسلامی؛ یعنی گام برداشتن در جهت مرزهای دانش و تولید و نظریه‌پردازی علم اسلامی (که در سطح‌های عالی و دکتری و پس‌دکتری انتظار می‌رود) تربیت شود؛ یعنی برنامه آموزشی به گونه‌ای باشد که بتوان زمینه‌ها و مهارت‌های لازم را در او ایجاد و او را با این مسیر آشنا ساخت تا بتواند در آینده در مسیر مرزهای دانش حرکت کند. اساساً هدف، توانمندسازی دانش‌پژوه برای عبور روشمند از سطح الفاظ و معانی ظاهری به سطح تبیین و تفسیر متن دینی و از آن به سطح نظام معرفتی و نظریه‌پردازی در عرصه علوم انسانی است (گرامی‌پور، ۱۴۰۴).

این الگوریتم، نه فقط یک برنامه درسی، بلکه یک اکوسیستم یادگیری است که در نهایت، پژوهشگر را برای تولید علم ناب و حل مسائل پیچیده جامعه امروز مجهز می‌سازد. این نظام آموزشی در رشته‌های مختلف علوم انسانی و روان‌شناختی قابل اجراست.

محدودیت‌ها

- جدید بودن و نیاز به بسترسازی: این الگوریتم یک نوآوری آموزشی محسوب می‌شود و فقدان پیشینه قوی و اساتید مجرب در تمامی گام‌ها، به‌ویژه «تحلیل پیرافقاهی»، می‌تواند چالش بزرگی برای اجرای سراسری آن باشد. - فشرده و طاقت‌فرسا بودن دوره: تراکم مطالب و سطوح بالای شناختی مورد نیاز، ممکن است برای برخی از دانش‌پژوهان بدون پیش‌زمینه قوی، دشوار و فرسایشی باشد و به طراحی یک نظام پشتیبانی و مشاوره تحصیلی قوی نیاز دارد. - وابستگی به کیفیت اجرا: موفقیت این الگوریتم به شدت به کیفیت تدریس، مهارت مدرسان در تلفیق دو حوزه و کاربردی بودن مثال‌ها وابسته است. اجرای ضعیف حتی با وجود طراحی دقیق، به شکست می‌انجامد. - تعارض با سیاست‌های کوتاه کردن طول آموزش: اجرای هدفمند واحدهای درسی پیش‌بینی شده در نظام تحولی جدید، به‌ویژه در دوره‌های جامع آن، با برخی سیاست‌های کاهش دادن واحدهای درسی و کوتاه کردن طول دوره‌های آموزشی در عمل چالش برانگیز است که نیازمند برنامه‌ریزی‌ها و اجرای حساب شده و حل مسئله فراگیر دارد.

پیشنهادهای

- طراحی دوره‌های آموزشی کوتاه‌مدت بر اساس الگوریتم ارائه شده: پیشنهاد می‌شود مؤسسات آموزشی و پژوهشی، دوره‌های فشرده‌ای مبتنی بر این الگوریتم طراحی و اجرا نمایند تا پژوهشگران حوزه علوم انسانی - اسلامی در زمان کوتاه‌تری به مهارت‌های ضروری دست یابند.

– تألیف منابع درسی کاربردی برای هر گام: با توجه به نظری بودن بسیاری از منابع موجود، تهیه و تألیف کتاب‌ها درسی و راهنماهای عملی که مثال‌های عینی و موردی از حوزه خانواده را محور قرار داده‌اند، برای هریک از هشت گام پیشنهاد می‌گردد.

– ایجاد «کارگروه‌های تلفیقی» متشکل از فقها، روان‌شناسان و مشاوران خانواده: برای غنی‌سازی محتوای دروس، به‌ویژه در گام‌های چهارم به بعد و تضمین صحت علمی و عملیاتی بودن خروجی‌ها، تشکیل گروه‌های کاری مشترک بین‌رشته‌ای ضروری است.

– اجرای پایلوت و مطالعات طولی: پیشنهاد می‌شود این الگوریتم در یک بازه زمانی مشخص (مثلاً پنج ساله) بر روی یک گروه از دانش‌پژوهان اجرا و نتایج آن از نظر کمی و کیفی (مانند تعداد مقالات تولیدی، تأثیرگذاری در محیط‌های مشاوره‌ای) مورد ارزیابی قرار گیرد.

– تعمیم الگوریتم به سایر حوزه‌های علوم انسانی: این چارچوب را می‌توان با اندکی تعدیل، برای دیگر عرصه‌های روان‌شناختی نیز به کار برد.

منابع

- اعرافى، علیرضا (۱۳۸۵). بهره گیری از روش شناسی تحول یافته اجتهادی، لازمه تولید علم دینی. روش شناسی علوم انسانی، ۱۲۰(۴۹)، ۸۴.
- اعرافى، علیرضا و بخشی، علی (۱۳۹۵). درآمدی بر اجتهاد تمدن ساز. قم: مؤسسه فرهنگی هنری اشراق و عرفان.
- ایمان، محمدتقی (۱۳۹۲). نمی توانیم تکثرگرایی روشی را بپذیریم. گفتمان الگو: دوماهنامه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، ۱، ۳۴-۳۶.
- بابایی، علی اکبر (۱۳۹۵). قواعد تفسیر قرآن. تهران: سمت.
- بستان، حسین (۱۳۹۲). نظریه سازی دینی در علوم اجتماعی با تطبیق بر جامعه شناسی خانواده. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- پسندیده، عباس (۱۳۹۸). روش فهم روان شناختی متون دینی. قم: دار الحدیث.
- پسندیده، عباس (۱۳۹۹). روش فهم عمومی متون دینی با رویکرد روان شناختی. قم: دار الحدیث.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۴ق). الصحاح. بیروت: دار العلم.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق). تحف العقول عن آل الرسول ﷺ. تصحیح: علی اکبر غفاری. قم: جامعه مدرسین
- زارعی، محمد، جان بزرگی، مسعود و احمدی، محمدرضا (۱۳۹۲). بررسی رابطه ساختار قدرت در خانواده با کارآمدی آن. روان شناسی و دین، ۳(۶)، ۵۳-۷۰.
- ساروخانی، باقر (۱۳۹۳). روش های تحقیق در علوم اجتماعی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- شجاعی، محمدصادق (۱۳۹۹). روش تحلیل کیفی محتوای متون دینی: مبانی نظری و مراحل اجرا. مطالعات اسلام و روان شناسی، ۱۴(۲۷)، ۴۱-۷۳.
- شرتونی، سعید (۱۳۷۴). اقرب الموارد. تهران: دار الاسوه.
- شریفی، احمدحسین (۱۳۹۳). مبانی علوم انسانی اسلامی. تهران: آفتاب توسعه.
- شریفی، احمدحسین (۱۳۹۷). روش اکتشاف نظریه از منابع و متون دینی. روش شناسی علوم انسانی، ۲۴(۹۴)، ۷-۲۲.
- شفیعی، عباس (۱۴۰۰). امکان یابی کاربرست روش اجتهادی در علوم انسانی (مورد مطالعه: رهبری در مدیریت اسلامی). روش شناسی علوم انسانی، ۲۷(۱۰۹)، ۳۵-۵۱.
- ابن بابویه قمی، محمد بن علی (شیخ صدوق) (۱۳۷۸). عیون اخبار الرضا ﷺ. تهران: جهان.
- ابن بابویه قمی، محمد بن علی (شیخ صدوق) (۱۴۱۳ق). من لا یحضره الفقیه. تحقیق: علی اکبر غفاری. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- طباطبایی، سیدمحمدکاظم (۱۳۹۰). منطق فهم حدیث. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ﷺ.
- عانی، نزار (۱۳۸۵). کتاب شناسی توصیفی - تحلیلی اسلام و روان شناسی. ترجمه، نقد و اضافات: بهروز رفیعی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- عبدلی مسینان، مرضیه (۱۳۹۷). استخراج، تحلیل و ارزیابی مدل های اجتهادی در روش شناسی تولید علوم انسانی اسلامی. پایان نامه دکتری. دانشگاه معارف اسلامی قم.
- عشایری منفرد، محمد (۱۳۹۲). تحلیل ادبی نهج البلاغه و صحیفه سجاده. قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی.

- علی‌پور، مهدی و حسنی، سیدحمیدرضا (۱۳۹۴). *پارادایم‌های اجتهادی دانش دینی «پاد»*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- علیدوست، ابوالقاسم (۱۳۹۲). *گفتمان تولید الگو باید بر فقیهان حاکم شود. گفتمان الگو: دوماهنامه‌ی الگوی اسلامی‌ایرانی پیشرفت*، ۱، ۵۶-۵۷.
- علیدوست، ابوالقاسم (۱۴۰۳). *روشناسی اجتهاد: مطالعه‌ی مکاتب اجتهادی معاصر*. قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۸ق). *العین*. بیروت: مؤسسه‌ی الأعلمی للمطبوعات.
- کریمی، مصطفی (۱۴۰۲). *فرآیند تفسیر موضوعی*. تهران: سمت.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵). *الکافی*. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- گرامی‌پور، مهدی (۱۴۰۴). *روش اجتهادی در فهم متن و تولید نظریه‌ی علوم انسانی اسلامی با تأکید بر دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای*. *فلسفه‌ی علوم انسانی اسلامی*، ۱(۱)، ۱۶۵-۱۹۶.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴). *بحار الانوار*. بیروت: مؤسسه‌ی الوفا.
- مسعودی، عبدالهادی (۱۳۸۴). *روش فهم حدیث*. قم: سمت و دانشگاه قرآن و حدیث.
- مسعودی، عبدالهادی (۱۳۹۹). *روش فهم قرآن*. قم: دار الحدیث.
- مصطفی، ابراهیم و همکاران (۱۹۸۹). *المعجم الوسیط*. ترکیه: دار الدعوة.
- معلمی، حسن (۱۳۸۹). *نقش اجتهاد در تدوین علوم انسانی اسلامی*. *انسان‌پژوهی دینی*، ۷(۲۳)، ۱۱۵-۱۳۰.
- نورعلیزاده میانجی، مسعود (۱۴۰۲). *روش مدل‌یابی مفهومی از متون اسلامی*. قم: مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- واسطی، عبدالحمید (۱۴۰۳). *الگوریتم اجتهاد*. قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ورام بن ابی فراس، مسعود (۱۴۱۰). *مجموعه ورام*. قم: مکتبه فقیه.
- همدانی، مصطفی (۱۴۰۲). *درآمدی بر روشن‌شناسی اجتهاد در علم اخلاق اسلامی*. تهران: سمت.

Anderson, T. & Shattuck, J. (2012). Design-based research: A decade of progress in education research? *Educational Researcher*, 41(1), 16-25.

Iqbal, N. & Skinner, R. (2021). Islamic psychology: Emergence and current challenges. *Archive for psychology of religion*, 43(1), 65-77.

Johnson, C., Hill, L., Lock, J., Altowairiki, N., Ostrowski, C., da Rosa dos Santos, L. & Liu, Y. (2017). Using design-based research to develop meaningful online discussions in undergraduate field experience courses. *International Review of Research in Open and Distributed Learning*, 18(6). <https://doi.org/10.19173/irrodl.v18i6.2901>.